
از طاووس تا فرح

از طاووس تا فرح

جای پای زن در مسیر تاریخ معاصر ایران

تألیف: محمود طلوعی

برای عزیزانم:
ایران، نسرین و نوشین

فهرست مطالب

مقدمه	۹
۱- طاووس	۳۵
۲- زنان و دختران سرشناس فتحعلی شاه	۴۵
۳- ملکه جهان (مهدعلیا)	
و راز ناگفته ماجرای عزل و قتل امیرکبیر	۵۹
۴- ماجرای «پروین خانم»	
زنی که موجب قطع رابطه و جنگ ایران و انگلیس شد	۱۰۳
۵- زنان ناصرالدین شاه	
و سرگذشت شگفت‌انگیز زنی که موجبات قتل او را فراهم ساخت	۱۲۵
۶- انیس الدوله	۱۶۱
۷- آخرین ملکه مقتدر قاجار	
و سرنوشت بازماندگان حرمسرای شاهان قاجار	۱۸۷
۸- از تاج الملوک تا فخرالدوله	
سرگذشت سه زن رضاشاه و آخرین شاهزاده خانم با نفوذ قاجار	۲۰۷
۹- فوزیه	
و داستان ازدواج و ماجراهای پشت پرده جدائی او از شاه	۲۳۳
۱۰- ثریا	۲۸۳
۱۱- اشرف پهلوی	۳۱۳
۱۲- فرح	۳۴۹

ضمائم

- مکاتبات رسمی دولتین ایران و انگلیس ۴۲۷ تا ۴۶۴
- اسنادی از زمان ناصرالدین شاه ۴۶۵ تا ۴۷۶
- روزگار است آن که، گه عزت دهد، گه خوار دارد ۴۷۷ تا ۵۱۷
- میان همسر و خواهر (فصلی از یک کتاب) ۵۱۹ تا ۵۲۴

مقدمه

چند سال قبل در کتابی تحت عنوان «زن بر سریر قدرت» نقش زنانی را که در طول تاریخ به قدرت رسیده و در تعیین سرنوشت کشور خود و جهان آثار مثبت یا منفی بر جای گذاشته‌اند تشریح کردم. این کتاب با استقبال فراوان روبرو شد، ولی ایراد و انتقاد خوانندگان این کتاب بر نویسنده این بود که چرا در مورد نقش زن ایرانی در طول تاریخ کمتر سخن گفته‌ام و به توضیح مختصری درباره نقش زن ایرانی در تاریخ این کشور، در مقدمه کتاب اکتفا نموده‌ام.

کتاب حاضر، پاسخی به درخواستها و اظهار علاقه خوانندگان کتاب «زن بر سریر قدرت» برای تحقیق در احوال زن ایرانی در طول تاریخ و جای پای زن در مسیر تاریخ معاصر ایران است. برای تنظیم و نگارش این کتاب به تمام منابع معتبری که دسترسی به آنها میسر بوده مراجعه کرده‌ام و حتی منابع غیر معتبری نظیر «رسم‌التواریخ» را نیز از نظر دور نداشته‌ام، و به طوری که در متن کتاب ملاحظه خواهید فرمود، منابع معتبر و غیر معتبر را از یکدیگر تفکیک نموده و سعی کرده‌ام تصویر روشنی از زندگی زن ایرانی و نقش زنان در طول تاریخ ایران ارائه نمایم.

کتاب، عمدتاً مربوط به تاریخ معاصر ایران و دو قرن اخیر، یعنی از آغاز سلطنت قاجاریه به این طرف است. لذا این مقدمه را به شمه‌ای از گذشته زن ایرانی و زنانی که پیش از قاجاریه در تاریخ ایران نقشی ایفا کرده‌اند اختصاص می‌دهیم. لازم به توضیح است که منابع مربوط به زن ایرانی در دوران پیش از قاجاریه محدود و غالباً غیر معتبر و غیر قابل استناد است و اگر درباره این دوره از تاریخ ایران به اختصار برگزار می‌کنیم بیشتر به خاطر اندک بودن منابع و پرهیز از کلی‌گویی و سخن‌پردازی است.

کمبود منابع درباره زن ایرانی در گذشته و نقش زنان در مسیر تاریخ گذشته ایران، خود گواه بر این واقعیت است که زن ایرانی نقش مؤثری در تحولات سیاسی و اجتماعی گذشته ایران نداشته و تعداد زنانی هم که نقشی در تاریخ گذشته ایران ایفا کرده‌اند، انگشت‌شمار، و بیشتر در سایه شوهر، یا در یک دوران کوتاه مدت بر اثر وراثت و تصاحب تاج و تخت بوده است. در این مورد باید افزود که نه فقط زنان ایرانی، بلکه زنان سایر نقاط جهان هم، پیش از قرن بیستم که به قرن آزادی زنان شهرت یافته است، در طول تاریخ همواره نقش درجه دومی را ایفا نموده‌اند و زنانی مانند الیزابت اول در انگلستان یا کاترین کبیر در روسیه، که به تنهایی و بدون اتکاء به شوهر ابراز شخصیت کرده و در تغییر مسیر تاریخ کشور خود و جهان نقش مؤثری ایفا نموده‌اند استثنائی و انگشت‌شمارند.

موقعیت اجتماعی و شرایط زندگی زن در ایران و سایر کشورهای جهان نیز کم و بیش مشابه هم بوده و زن چه در ایران و کشورهای مشرق زمین و چه در اروپا و کشورهای مغرب زمین شهروند درجه دومی به شمار می‌آمده است. جوامع بشری چه در شرق و چه در غرب تا اواخر قرن نوزدهم جامعه مردسالاری بوده و حتی تا نیمه قرن بیستم، زنان در بسیاری از کشورهای غربی هم از حقوق سیاسی و اجتماعی برابر با مردان برخوردار نبوده‌اند. در سالهای پایانی قرن بیستم نیز برابری حقوق زن و مرد در غرب، بیشتر ادعا و بر روی کاغذ است و نگاهی به تعداد اندک نمایندگان زن در پارلمانهای کشورهای غربی، یا مقامات سیاسی و اجتماعی مهم که به زنان داده شده است، به خوبی نشان می‌دهد که تساوی حقوق زن و مرد در جوامع غربی افسانه‌ای بیش نیست. این عدم تساوی نه فقط در احراز مقامات سیاسی و اجتماعی، بلکه در امور اقتصادی و ارزش نیروی کار نیز مشاهده می‌شود و به طور نمونه در آمریکا و کشورهای صنعتی اروپای غربی، که حداکثر حقوق و آزادیهای سیاسی به زنان داده شده است، ارزش کار زنان و حقوق و دستمزدی که به آنان داده می‌شود با مردان برابر نیست.

* * *

به ایران و نقش زن ایرانی در تاریخ گذشته کشورمان بازمی‌گردیم. منابع مربوط به

تاریخ ایران باستان بیشتر یونانی است، که با توجه به اختلافات و جنگهای ایران و یونان در قرن پنجم قبل از میلاد مسیح نمی‌تواند خالی از غرض باشد، با وجود این از مجموع منابعی که دربارهٔ ایران باستان در دست است می‌توان دریافت که مردسالاری در ایران از همان دوران رواج داشته و رسم حرم و حرمسرا و داشتن زنان متعدد از همان زمان در ایران جاری بوده است. کورش سرسلسلهٔ خاندان هخامنشی و معروفترین پادشاه ایران باستان، حرمسرای عریض و طولیلی داشته و جانشینان وی نیز هیچ‌کدام به یک زن و دو زن و ده زن قناعت نکرده‌اند. در نقش زن ایرانی در ایران باستان، قبل از همه به نام دو دختر کورش، «آتوسا» و «رُکسانا» برمی‌خوریم، که پسر بزرگ و جانشین کورش کمبوجیه هر دو آنها را به زنی می‌گیرد و آنان را در رأس زنان حرمسرای پدر، که از او به ارث برده بود قرار می‌دهد. در بعضی از منابع مربوط به تاریخ ایران باستان آمده است که تا زمان ازدواج کمبوجیه با دو خواهرش، رسم ازدواج با اقارب درجه اول نزد پارسیان معمول نبود، ولی وقتی کمبوجیه دست به چنین کاری زد بزرگان قوم و اطرافیان شاه ناچار بر آن مُهر تأیید نهادند و این رسم ناپسند از آن پس معمول و موجب تضعیف نسل خاندان سلطنتی گردید.

آتوسا و رُکسانا خواهران کمبوجیه که همسران او نیز بودند، در اوایل سلطنت وی در ادارهٔ امور کشور و عزل و نصب مقامات و فرماندهان سپاه نقش مؤثری ایفا می‌کردند، ولی بعد از کشته شدن «بردیا» برادر کوچکترشان به دست کمبوجیه با او سر ناسازگاری گذاشتند و یکی از آن دو (رُکسانا) به دست کمبوجیه به قتل رسید. بعد از مرگ کمبوجیه، جانشین او داریوش نیز حرمسرای پادشاه متوفی را به ارث برد و از جمله آتوسا دختر کورش را به زنی گرفت. خشایارشا پسر بزرگ داریوش، از بطن آتوسا بود و به همین جهت هنگام مرگ پدرش بدون رقیب و منازعی به سلطنت رسید. خشایارشا هنگام جلوس بر تخت سلطنت مردی ۳۵ ساله بود و از آنجا که بیشتر سالهای عمر خود را در حرمخانه و بین زنان به سر آورده بود، خوی جنگجویی پدر و پدربزرگ خود را نداشت و مردی بوالهوس و زنباره بود.

خشایارشا که به واسطهٔ لشکرکشی به یونان و فجایعی که به زعم یونانیان در این

جنگ مرتکب آن شد، مورد نفرت مؤرخین معروف یونانی مانند هرودوت و گزنفون است، در متون تاریخی که از یونانیان به یادگار مانده مردی ابله و زنباره و فاقد اخلاق معرفی شده و از آن جمله مرگ او هم به توطئه‌ای در حرمرسا و تبانی زنان و خواجه‌سرایانش نسبت داده شده است. در کتاب مقدس یهودیان (توراة) هم فصل بلندی به سرگذشت یک زن یهودی به نام «استر» یا ستاره که از زنان حرمرسرای خشایارشا بوده است اختصاص یافته و اگر روایتی را که در توراة آمده است باور کنیم وی نقش سرنوشت‌سازی در دوران سلطنت سومین پادشاه هخامنشی ایفا کرده است.^(۱) به موجب آنچه در کتاب مقدس یهودیان آمده است خشایارشا به تحریک «استر» هامان وزیر اعظم خود را به قتل می‌رساند و «مردخای» عموی استر را به جانشینی وی منصوب می‌نماید. به موجب روایت توراة «هامان» که با یهودیان دشمنی داشته حکم قتل عام آنان را از خشایارشا گرفته بود، ولی خشایارشا پس از قتل ماهان (که استر او را متهم به توطئه قتل شاه کرده بود) حکم قتل عام یهودیان را لغو می‌نماید و باز به روایت کتاب مقدس، یهودیان به اتکای استر و مردخای انتقام سختی از دشمنان خود گرفته و در روزهای سیزدهم و چهاردهم ماه عبرانی «آدار» ۷۷۰۰۰ نفر از آنان را به قتل می‌رسانند. یهودیان روز چهاردهم آدار را به عنوان عید «پوریم» که یادآور این واقعه است جشن می‌گیرند.

در دوران سلطنت چهل ساله اردشیر اول چهارمین پادشاه هخامنشی که به اردشیر دراز دست هم معروف شده است، دوزن نقش مؤثری در دربار ایران ایفا کردند. اردشیر اول در اوایل سلطنتش بیشتر تحت نفوذ و سلطه مادرش «آمستریس» بود و بعدها این نفوذ به خواهر و همسر زیبایش «آمیس تیس» منتقل شد. اردشیر هم مانند پدرش حرمرسرای بزرگی داشت که در آن علاوه بر زنان پارسی و مادی، زنان یهودی و بابلی بسیاری گرد آمده بودند. اردشیر اول از زنان متعدد خود فرزندان بسیاری یافت، که از

۱ - در بعضی از منابع ایرانی و یونانی، داستان «استر» و وقایعی که کتاب مقدس یهودیان به دوران سلطنت خشایارشا نسبت می‌دهد، در وقایع دوران سلطنت جانشین او اردشیر اول آمده و بر این اساس «استر» یهودی در زمان سلطنت اردشیر اول ملکه ایران بوده است.

میان فرزنداناش حداقل از ۱۷ پسر نام برده شده است.

بعد از مرگ اردشیر اول کشمکش خونینی بر سر جانشینی او آغاز شد و در این مبارزه سرانجام یکی از پسران اردشیر به نام «اخوس» که از یک زن بابلی بود بر دیگران فائق آمد و به نام «داریوش دوم» بر تخت نشست. داریوش دوم نوزده سال سلطنت کرد و در تمام مدت سلطنت تحت سلطه و نفوذ همسرش «پروزاتس» یا «پروشات» بود. پروشات که خواهر داریوش دوم نیز بود در بعضی از منابع مربوط به دوران ایران باستان فرمانروای واقعی ایران در دوران سلطنت داریوش دوم به شمار می آید. نویسنده و محقق ارجمند آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب «روزگاران» خود دربارهٔ فجایعی که به دست این زن و بیشتر به خاطر قدرت طلبی و حسادت‌های زنانه و انتقامجویی او صورت گرفته است، شرح مفصلی داده و می نویسد «ضعف نفس داریوش دوم سلطنت وی را بازیچهٔ هوسهای خشونت آمیز این زن درنده خوی کرده و دربار وی را به صورت قربانگاهی درآورده بود».^(۱)

پروشات بعد از مرگ داریوش دوم نیز نفوذ خود را در دربار هخامنشی حفظ کرد و این بار به عنوان مادر پادشاه جدید، ارشک یا اردشیر دوم در امور مملکت مداخله می کرد. در منابع مربوط به این دوره از تاریخ ایران آمده است که پروشات به خاطر دشمنی با «استاتیرا» همسر اردشیر دوم پسر دیگرش کوروش را به قیام بر ضد برادر و تصاحب تاج و تخت تحریک کرد و چون کوروش در جنگ با برادر شکست خورد، نفوذ و قدرت پروشات هم رو به افول نهاد. با وجود این پروشات از تحریک و توطئه در دربار پسرش دست برداشت و استاتیرا ملکه و همسر اردشیر دوم سرانجام به وسیلهٔ عوامل وی مسموم شد.

دربار اردشیر دوم، که نزدیک به نیم قرن بر ایران سلطنت کرد از فاسدترین دربارهای دوران هخامنشی بود. اردشیر دوم قریب به چهارصد زن در حرمسرای خود داشت، و در اواخر عمر دو دختر خودش به نامهای آتوسا و آمستریس را نیز به جمع